**٩٣ - صالح و ناقه**

 و نیز از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز: ناقه صالح در آثار مبارک اشاره است که نفس مقدس صالح بود و از این معانی که پستان رحمانی انوجود مبارک است رزق روحانی و لبن رحمانی نازل اما نفوس خبیثه آن ناقه الهیه را پی نمودند و انکار کردند و تکذیب نمودند و بعذاب الیم حرمان و کفران و طغیان گرفتار شده بهلاکت ابدی افتادند و اما آن چشمه چشمه حیات اینجهان بود و من الماء کلشئی حی آنقوم عنود خواستند که زندگانی اینجهان فانی بتمامه شایان ایشان باشد لهذا بانکار و استکبار و اذیت و اضطهاد قیام کردند و آن ناقه الهی را پی نمودند و چون آن ناقه الهی را انکار کردند نتیجه و اثر آن حضرت از میان آنقوم خروج نمود و غائب گردید این است که مذکور است که نتیجه ناقه رو بکوه و صحرا نهاد و غائب گردید و آن قوم بخسران ابدی افتادند و بانعدام سرمدی مبتلا گشتند محو و نابود شدند نه ثمری و اثری و نه ذکر و خبری و نه حیاتی و بقائی لا تسمع لهم صوتا و لا رکزاً .

 و در خطابی دیگر قوله العزیز و اما ناقه الله المذکورة فی سورة النصح فها عبارة عن نفسه المقدسة التی وقعت بید الاعداء فعقروها ای عذبوها و سلخوها بالسنة حداد و عاقبوها و نقموا منها حتی احترق بظلمهم الفؤاد فدمدم علیهم ربهم بذنبهم ای حرم علیهم المواهب الالهیة و اخذهم و ترکهم فی غفلتهم و شقوتهم و حرمانهم و جهلهم الی الابد الاباد